گنجینه زبان و ادبیات فارسی

بازتاب برخی از پیشه‌ها در پریشان قاآنی شیرازی و تحوّلات تاریخی آنها در فرهنگ ایرانی

میثم زارعی[1]، مسعود پاکدل[1*]، حسن شعبانی آزاد[1]

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: masoudpakdel52@iau.ac.ir

چکیده

ادبیّات فارسی، علاوه بر جنبه‌های هنری و ادبی، منبعی ارزشمند برای شناخت فرهنگ اجتماعی و زندگی روزمره ایرانیان در دوره‌های گذشته است. کتاب پریشان اثر قاآنی شیرازی، با بهره‌گیری از نثر هنرمندانه و حکایات متنوع، تصویری از وضعیت پیشه‌ها و طبقات مختلف جامعه در عصر قاجار ارائه می‌دهد. در این پژوهش، پیشه‌هایی که در این اثر بازتاب یافته‌اند، از منظر تاریخی و تحولات اجتماعی بررسی شده‌اند تا روشن شود کدام‌یک از این مشاغل همچنان پابرجا مانده و کدام دچار دگرگونی یا زوال شده‌اند. ضرورت این تحقیق در شناخت سیر تحول فرهنگ عامه از خلال یک اثر ادبی مهم نهفته است که تاکنون بررسی مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است. هدف مقاله، تحلیل تاریخی مشاغل و بازتاب آن‌ها در فرهنگ عامیانه ایرانی است. روش تحقیق به شیوه توصیفی–تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد پریشان قاآنی نه تنها دربردارنده اطلاعات ادبی، بلکه گنجینه‌ای از دانش اجتماعی و تاریخی است و می‌تواند بستری برای شناخت بهتر جامعه ایران در قرن سیزدهم هجری باشد.

کلیدواژگان: *قاآنی‌شیرازی، پریشان، پیشه‌ها، تحوّلات اجتماعی.*

شیوه استناددهی: زارعی، میثم.، پاکدل، مسعود.، و شعبانی آزاد، حسن. (۱۴۰۶). بازتاب برخی از پیشه‌ها در پریشان قاآنی شیرازی و تحوّلات تاریخی آنها در فرهنگ ایرانی. *گنجینه زبان و ادبیات فارسی*، ۵(۴)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۳ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۱۷ مهر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۵ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۲۷ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۶

The Treasury of Persian Language and Literature

The Reflection of Selected Occupations in Parishan by Qa'ani Shirazi and Their Historical Transformations in Iranian Culture

Meysam Zarey[1], Masoud Pakdel[1]*, Hasan Shabaniazad[1]

1. Department of Persian Language and Literature, Gac.C., Islamic Azad University, Gachsaran, Iran
*Corresponding Author's Email: masoudpakdel52@iau.ac.ir

Abstract

Persian literature, beyond its artistic and literary dimensions, constitutes a valuable source for understanding the social culture and everyday life of Iranians in earlier historical periods. Parishan, a work by Qa'ani Shirazi, employs artistic prose and diverse anecdotes to portray the conditions of various occupations and social strata during the Qajar period. This study examines the occupations reflected in this work from historical and social perspectives in order to determine which of these occupations have persisted to the present day and which have undergone transformation or disappeared. The significance of this research lies in tracing the historical evolution of popular culture through an important literary work, a subject that has not previously been examined in an independent study. The aim of the article is to provide a historical analysis of these occupations and their representation in Iranian popular culture. The study employs a descriptive-analytical method based on library research. The findings demonstrate that Qa'ani's Parishan is not merely a repository of literary information but also a valuable source of social and historical knowledge, providing an important basis for a more comprehensive understanding of Iranian society in the nineteenth century.

Keywords: *Qa'ani Shirazi, Parishan, occupations, social transformations.*

How to cite: Zarey, M., Pakdel, M., & Shabaniazad, H. (2027). The Reflection of Selected Occupations in Parishan by Qa'ani Shirazi and Their Historical Transformations in Iranian Culture. *The Treasury of Persian Language and Literature*, *5*(4), 1-18.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 13 June 2026
Revise Date: 09 October 2026
Accept Date: 17 October 2026
Initial Publish: 19 October 2026
Final Publish: 23 October 2027

مقدمه

ادبیّات فارسی همواره حامل بخشی از حافظه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان بوده است. بسیاری از متون کلاسیک این زبان، افزون بر جلوه‌های هنری و زیبایی‌شناختی، گنجینه‌هایی از اطلاعات درباره زیست روزمره مردم، باورهای عمومی، پیشه‌ها و مناسبات اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی‌اند. این آثار ادبی، به‌ویژه آثاری که به‌طور مستقیم با زندگی عامه مردم و فرهنگ کوچه و بازار سر و کار دارند، اهمیتی دوچندان می‌یابند؛ زیرا برخلاف متون درباری یا آثاری که صرفاً در خدمت خواص بوده‌اند، این دسته از نوشته‌ها ما را با فضای واقعی زیست مردمان عادی و مشاغل و مناسبات روزمره آنان آشنا می‌کنند.

یکی از این متون که می‌توان آن را در زمره آثار مردم‌نگارانه نیز محسوب کرد، کتاب «پریشان» اثر میرزا حبیب‌الله شیرازی، متخلص به قاآنی است. این کتاب، که با الهام از گلستان سعدی نوشته شده، دربردارنده مجموعه‌ای از حکایات و مضامین تعلیمی و اجتماعی است که در خلال آن‌ها، اشاراتی ارزنده به پیشه‌ها و مشاغل رایج زمان قاآنی دیده می‌شود. این اثر نه‌تنها از حیث نثر ادبی و ساختار حکایات حائز اهمیت است، بلکه به‌واسطه انعکاس زندگی مردم، شغل‌ها، ابزارها و جایگاه‌های اجتماعی، منبعی مفید برای مطالعه تاریخ اجتماعی دوره قاجار به شمار می‌رود.

از آنجا که برخی از مشاغل مندرج در پریشان امروزه منسوخ شده یا دچار تحولات گسترده‌ای شده‌اند، تحلیل و بررسی آن‌ها از منظر تاریخی و اجتماعی می‌تواند به فهم بهتر سیر تحولات فرهنگی ایران کمک کند. این مقاله در تلاش است با استخراج و تحلیل پیشه‌های مذکور در پریشان قاآنی، تصویری از موقعیت مشاغل در دوره قاجار ارائه دهد و سرنوشت این مشاغل را در طول زمان مورد بررسی قرار دهد. بدین‌سان، ضمن شناخت کارکردهای این پیشه‌ها در گذشته، می‌توان نسبت به تداوم، دگرگونی یا زوال آن‌ها در تاریخ فرهنگی ایران شناختی روشن‌تر حاصل کرد.

آثار ادبی، به‌ویژه آن دسته که متأثر از زیست اجتماعی و فرهنگی مردم نگاشته شده‌اند، ظرفیت بالقوه‌ای در ثبت و بازتاب زندگی واقعی جوامع دارند. یکی از عرصه‌های مهم در این میان، ثبت پیشه‌ها و مشاغل مردم در متون ادبی است؛ زیرا مشاغل، نماینده بخشی از ساختار اقتصادی، طبقات اجتماعی و فرهنگ عمومی هر دوره تاریخی هستند. در بررسی پیشینه فرهنگ عامه و تاریخ اجتماعی ایران، شناخت پیشه‌های رایج و نحوه بازتاب آن‌ها در متون ادبی می‌تواند راه‌گشای درک عمیق‌تری از تحولات اجتماعی و اقتصادی باشد. کتاب پریشان قاآنی، از جمله آثاری است که با سبک حکایت‌نویسی و نگاه تعلیمی خود، به‌طور غیرمستقیم به بازتاب پیشه‌ها و زندگی اصناف پرداخته است. نکته مهم آن است که شماری از این پیشه‌ها در گذر زمان دستخوش تحول، تغییر کارکرد یا حتی زوال شده‌اند. این وضعیت، ضرورت تحلیل دقیق آن‌ها از منظر تاریخی و تطبیق با شرایط معاصر را دوچندان می‌سازد.

با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهشی جامع که به‌طور خاص به بررسی پیشه‌های ذکرشده در پریشان قاآنی و سرنوشت تاریخی آن‌ها پرداخته باشد، انجام نشده است. مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی مشاغل مندرج در پریشان و تحلیل جایگاه، تحولات و تداوم یا زوال آن‌ها در فرهنگ ایرانی است. پرسش محوری آن است که قاآنی چه تصویری از پیشه‌ها در عصر خود ارائه داده و این پیشه‌ها در گذر تاریخ به چه سرنوشتی دچار شده‌اند؟

مطالعه پیشه‌ها و مشاغل در متون ادبی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که به پیوند ادبیات، تاریخ اجتماعی و فرهنگ عامه می‌پردازد. کتاب پریشان قاآنی، گذشته از ارزش ادبی، واجد اطلاعاتی درباره زیست اجتماعی مردم عصر قاجار و پیشه‌های رایج آن دوره است. بررسی این پیشه‌ها نه‌تنها به شناخت ساختار معیشتی و طبقاتی جامعه آن زمان کمک می‌کند، بلکه امکان مقایسه تاریخی و تحلیل

روندهای تحول اجتماعی را نیز فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، بسیاری از پیشه‌های یادشده در پریشان امروزه یا منسوخ شده‌اند یا در قالبی جدید و با کارکردهایی متفاوت ادامه یافته‌اند. تحلیل این تحولات می‌تواند فهم ما از پویایی فرهنگ ایرانی را تعمیق بخشد و نقش زمانه در تغییر مناسبات شغلی و اجتماعی را آشکار سازد. در همین راستا، این پژوهش در پر کردن خلأ مطالعاتی موجود در حوزه بازتاب پیشه‌ها در ادبیات فارسی، به‌ویژه در اثر مهمی چون پریشان، ضروری می‌نماید. این بررسی، گامی در جهت ثبت و تحلیل میراث فرهنگی مشاغل سنتی ایران است و بر ارزش‌های مردم‌شناختی و اجتماعی متون ادبی تأکید می‌ورزد.

پیشینهٔ تحقیق

حبیبی لشکری، سنا (۱۳۸۹). در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مشاغل قدیمی شیراز» به مشاغل رایج قدیم شیراز پرداخته است.

حکمت‌نیا، امیرحسین (۱۳۹۵). در مقاله‌ای با عنوان «ردّ پای مشاغل قدیمی و صنایع بومی در نام کوچه‌ها و طاق‌های بافت قدیم شیراز» یادآور می‌شود که: سبک زندگی امروز با دوران گذشته بسیار متفاوت و سادگی گذشته، جایش را به زندگی پرتجمّل امروز داده است.

زارعی، میثم و پاکدل، مسعود (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به پیشه‌های منسوخ در بوستان سعدی»، با استناد بر کتاب بوستان سعدی به بررسی مشاغل قدیمی و پیشه‌هایی که در گذشته‌ای نه‌چندان دور وجود داشته‌اند و امروزه به علت گردش روزگار و پیشرفت تکنولوژی دیگر کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کند و یا کنار رفته و یا دیگر هیچ اثری از آن‌ها نمی‌باشد، پرداخته‌اند.

۱-۵- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و توصیفی-تحلیلی است که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این تحقیق، ابتدا با مطالعه و بررسی دقیق متن پریشان قاآنی، پیشه‌ها و مشاغل ذکرشده استخراج شده‌اند. سپس با استفاده از منابع تاریخی، ادبی و مردم‌شناسی، تحولات تاریخی و فرهنگی این پیشه‌ها تحلیل و تبیین شده است. مطالعات انجام‌شده بیشتر مبتنی بر تحلیل محتوای متون و مقالات مرتبط بوده و با رویکرد تفسیر و تأویل داده‌ها، سعی شده است تا به شناخت عمیق‌تری از جایگاه پیشه‌ها در فرهنگ ایرانی و اهمیت آن‌ها در اثر ادبی پریشان دست یابد. روش پژوهش بر گردآوری داده‌ها از منابع دست اول و دوم و تحلیل تطبیقی آن‌ها متمرکز است تا بتواند روند تاریخی و فرهنگی پیشه‌ها را به‌طور جامع ترسیم کند.

مبانی تحقیق

مبانی این تحقیق بر اساس مطالعه ادبیات فارسی و شناخت فرهنگ عامیانه شکل گرفته است. ادبیات فارسی، به‌ویژه متون منظوم و منثور تاریخی و ادبی، از جمله منابع مهم برای درک زندگی روزمره، آداب، رسوم و ساختارهای اجتماعی در دوره‌های مختلف تاریخی به شمار می‌آید. در این راستا، آثار ادبی که به پیشه‌ها و مشاغل مردمی می‌پردازند، منبع غنی و بی‌بدیلی برای شناخت فرهنگ جامعه و تحولات اجتماعی-اقتصادی هستند.

کتاب پریشان قاآنی، با توجه به ویژگی‌های ساختاری و محتوایی خود، به‌عنوان منبعی ارزشمند برای مطالعه پیشه‌ها و نقش آن‌ها در زندگی مردم دوره قاجار محسوب می‌شود. تحلیل این اثر از منظر فرهنگی و تاریخی، امکان بازنمایی تغییرات و استمرارهای اجتماعی در حوزه مشاغل را فراهم می‌کند و در نتیجه، مبانی این تحقیق بر پایه ادبیات تاریخی، مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی بنا شده است تا نقش و جایگاه پیشه‌ها را در بستر تحول جامعه ایرانی به تصویر کشد.

قاآنی شیرازی

میرزا حبیب‌الله شیرازی، مشهور به «قاآنی شیرازی، شاعر و ادیب برجسته دوره قاجار، در جمادی‌الاول سال ۱۲۲۲ هجری قمری در شیراز چشم به جهان گشود.» (1)

قاآنی در آغاز راه شاعری با تخلّص «حبیب» شعر می‌سرود، اما به دلیل حمایت و تشویق شجاع‌السلطنه، فرزند فتحعلی‌شاه، تخلص خود را به «قاآنی» تغییر داد. این تغییر تخلص نمادی از ارتباط نزدیک او با دربار قاجار و موقعیّت اجتماعی ویژه‌اش بود که بر مسیر ادبی و هنری‌اش تأثیر بسزایی داشت. «وی که نام اصلی‌اش میرزا حبیب‌الله شیرازی بود، در ابتدا با تخلص "حبیب" شعر می‌سرود، اما بعدها به پیشنهاد حامی خود، شجاع‌السلطنه فرزند فتحعلی‌شاه، تخلص خود را به "قاآنی" تغییر داد.» (2)

وی در طول عمر خود به تحصیلات گسترده‌ای در علوم مختلف، از جمله نجوم و حکمت، پرداخت و در عرصه ادبیات فارسی آثار ماندگاری به جای گذاشت. قاآنی در دوره پادشاهی سه شاه قاجار، یعنی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه، زندگی کرد و از حمایت و توجه ویژه آنان برخوردار بود. او به مقام «مجتهدالشعرایی» رسید و لقب «حسان‌العجم» را از محمدشاه دریافت کرد.

قاآنی سرانجام در سال ۱۲۷۰ هجری قمری در تهران درگذشت و به زندگی پرفرازونشیب خود پایان داد. از جمله آثار مهم قاآنی، دیوان اشعار اوست که اطلاعات ارزشمندی درباره فرهنگ، موسیقی و زندگی اجتماعی دوره قاجار در خود دارد. «از آثار مهم قاآنی می‌توان به دیوان اشعارش اشاره کرد که فرهنگ مفیدی از نام اغلب سازهای بزمی و رزمی ادوار گذشته را در خود جای داده است.» (3)

از آثار مهم قاآنی می‌توان به دیوان اشعار و کتاب پریشان اشاره کرد؛ اثری که تقلیدی از گلستان سعدی به شمار می‌رود و از نظر نثر و محتوای فرهنگی بسیار ارزشمند است. سبک شعری و نثر قاآنی ترکیبی از سنت‌های ادبی کهن و نوآوری‌های شخصی اوست که تأثیر قابل‌توجهی بر ادبیات دوره قاجار داشته است.

پریشان

کتاب «پریشان» قاآنی اثری است که با الهام از سبک «گلستان» سعدی پدید آمده، اما از آن تأثیر فراتر، تلاش کرده تا تصویری از اجتماع و فرهنگ عصر قاجار به دست دهد. این کتاب در میانه قرن سیزدهم هجری نگاشته شد و به‌رغم آنکه نویسنده در مقدمه بر استقلال و خلاقیت خود تأکید دارد، ساختار و لحن اثر نشان‌دهنده پیروی از شیوه سعدی است. «کتاب "پریشان" اثر میرزا حبیب‌الله شیرازی متخلص به "قاآنی" (۱۲۲۳–۱۲۷۰ق) با نام کامل "پریشان قاآنی" در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری به رشته تحریر درآمده است. این اثر که به نام محمدشاه قاجار در بیست رنگ تا سال ۱۲۵۲ق نگارش یافته، در واقع تقلیدی است از کتاب "گلستان سعدی". اگرچه قاآنی در مقدمه کتاب خود ادعا می‌کند که "پریشان" تقلیدی صرف از گلستان نیست و حاصل طبع خود اوست، اما آنچه آشکار است، این اثر در حد شرح و اندکی توسعه "گلستان" است.» (4)

کتاب «پریشان» تصویری روشن از شرایط زندگی و روابط انسانی در دوره قاجار ارائه می‌دهد. حکایات این کتاب علاوه بر جنبه‌های اخلاقی، نگاهی انتقادی به ساختار جامعه آن زمان دارند و برای مخاطب امروزی، ارزش مردم‌شناختی و تاریخی مهمی فراهم می‌آورند. «علاوه بر این، از خلال این حکایات می‌توان اوضاع اجتماعی عصر قاجار را به‌خوبی مشاهده نمود. "پریشان" در واقع آیینه‌ای از اخلاق و رفتار جامعه آن دوران است. قاآنی در بیان حکایات و پندها، ابتنای ملموس و هدفی تعلیمی–تربیتی را با شیوه‌ای نو همراه داشته است.» (5)

بحث و بررسی

در این بخش به تحلیل و بررسی پیشه‌ها و مشاغل بازتاب‌یافته در کتاب پریشان قاآنی شیرازی پرداخته می‌شود. پیشه‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای فرهنگ اجتماعی هر جامعه‌اند که نشان‌دهنده ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم در دوره‌های مختلف

تاریخی هستند. مطالعه و بررسی پیشه‌ها در متونی مانند پریشان، علاوه بر درک بهتر فضای فرهنگی و اجتماعی آن دوره، امکان شناخت تحولات تاریخی این مشاغل را نیز فراهم می‌آورد.

کتاب پریشان، به‌عنوان اثری تقلیدی از گلستان سعدی، تصویری از زندگی روزمره و مشاغل مردم زمان قاآنی ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند برای شناخت فرهنگ عامه و پیشه‌های رایج در آن دوران مورد استفاده قرار گیرد. در این اثر، هر پیشه به‌صورت مختصر معرفی شده و اغلب با نگاهی اخلاقی و آموزنده همراه است که این ویژگی نشان‌دهنده دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی نویسنده است.

تحلیل تاریخی پیشه‌ها در پریشان نشان می‌دهد که برخی از این مشاغل همچنان پایدار مانده‌اند و یا در شکل و کارکردی نوین به حیات خود ادامه داده‌اند، در حالی که برخی دیگر به‌تدریج منسوخ شده یا تغییر کاربری داده‌اند. بررسی این تحولات، علاوه بر نشان دادن روند دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، نشانگر تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییر سبک زندگی بر ساختار مشاغل سنتی نیز می‌باشد.

در ادامه، پیشه‌ها به‌ترتیب الفبا بررسی شده و تحولات تاریخی و اجتماعی هر کدام در حد اختصار مورد تحلیل قرار گرفته است تا تصویر جامع‌تری از فرهنگ عامیانه و پیشه‌های دوره قاجار ارائه شود. این تحلیل کمک می‌کند تا خواننده با روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی در دوران قاجار و جایگاه پیشه‌ها در آن آشنا گردد و به درک عمیق‌تری از متن پریشان دست یابد.

پیشه‌ها

پیشه‌ها و مشاغل از بنیادی‌ترین عناصر فرهنگ اجتماعی هر جامعه به شمار می‌روند؛ چراکه نه‌تنها نیازهای معیشتی مردم را تأمین می‌کنند، بلکه بازتابی از ساختار اقتصادی، مناسبات اجتماعی و سطح تمدن آن جامعه نیز هستند. «اگر فرهنگ خود را بکاویم و اشعار، ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها و فصول و بخش‌های خاصّ را که در مسئلهٔ اشتغال و کار و فعالیّت و موضوعات مربوط به آن، مانند بیکاری و تنبلی و کسالت و کاهلی، وارد شده است بررسی کنیم، گنجینهٔ پایان‌ناپذیری می‌یابیم که اهمیّت و ارزش فرهنگی کار را در آیین و تاریخ ما نشان می‌دهد.» (6)

در گذر زمان، برخی از این مشاغل به دلیل تطبیق با تحولات اجتماعی و فنّی، پایدار مانده و استمرار یافته‌اند؛ در حالی که شماری دیگر، به دلایل گوناگون چون تغییرات فناوری، دگرگونی نیازهای جامعه یا از میان رفتن زمینه‌های اقتصادی‌شان، از بین رفته و به مشاغلی منسوخ تبدیل شده‌اند. بررسی پیشه‌ها در متون ادبی کهن، امکان شناخت چهره واقعی جامعه گذشته و تحولات تدریجی آن را فراهم می‌آورد.

ایلچی

ایلچی مأمور حکومتی یا فرستاده‌ای بود که برای رساندن پیام، فرمان یا هدیه از سوی حکومت به شهرها یا دربارهای دیگر اعزام می‌شد. این پیشه با ساختار دیوان‌سالاری و نظام ملوک‌الطوایفی پیوند داشت.

«پادشاه سفرا و ایلچیان را احترام نماید با نام پادشاهی که مرسل ایشان است چندان‌که خصومتش بیشتر باشد با ادب گوید تا موجب تألیف شود و سفیران را به مال بسیار و تملق خشنود دارد که این هر دو در هر مزاجی سازگار است ...» (7)

با گسترش ارتباطات نوین، مانند تلگراف و پست، ایلچی‌گری به‌تدریج منسوخ شد و امروزه وظایف آن در قالب سفارتخانه‌ها، پست دیپلماتیک و رسانه‌های رسمی انجام می‌پذیرد.

آسیابان

آسیابان کسی بود که با بهره‌گیری از نیروی آب، باد یا حیوان، گندم و سایر غلات را آرد می‌کرد. این پیشه برای تأمین نان و خوراک مردم نقشی اساسی داشت.

«توانگران اسلام در هر گوشه‌ای آتش زردشت برافروختندی و از حرص آتش به جای انگشت، انگشت می‌سوختندی. شدت برف

و باران به مرتبه‌ای رسید که هر کجا آسیابی بود از مدار افتاد و هر کجا آسیابانی دمار از جانش برآمد...» (7)

با ورود آسیاب‌های ماشینی و کارخانه‌های آردسازی در دوره‌های جدید، شغل آسیابانی سنتی از بین رفت و تنها در برخی نواحی روستایی، آن هم به شکل محدود، باقی مانده است.

پرده‌دار

پرده‌دار شخصی بود که در دربار یا نزد حاکم، نقش حاجب و نگهبان حریم حاکم را داشت. وظیفه اصلی او واسطه‌گری بین مردم و پادشاه یا حاکم بود؛ به این معنا که کسانی که می‌خواستند با حاکم ملاقات کنند، باید از طریق پرده‌دار اجازه می‌گرفتند و او پرده را کنار می‌زد تا مخاطب بتواند حاکم را ببیند. این شغل اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در نظام حکومتی داشت و بیشتر در ساختارهای سلطنتی و حکومتی معنا داشت.

آفتابا عشق باید دل‌فروز

تا به بزم جان نه شب بینی نه روز

آفتابا آفتابی را بهل

تا دهندت ره به خلوتگاه دل

آفتابا بگذر از این استعار

تا شوی در کاخ هستی پرده‌دار

(7)

با گذشت زمان و تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی، پرده‌داری به‌عنوان یک پیشه مستقل منسوخ شده و در ساختارهای امروزی جایگاهی ندارد.

پرستار

پرستار در گذشته به فردی گفته می‌شد که در منازل ثروتمندان و خانواده‌های متمول به خدمت اشتغال داشت و وظیفه‌اش انجام امور روزمره و مراقبت‌های معمولی از اعضای خانواده بود. چنان‌که در لغت‌نامه چنین آمده است: «بنده. چاکر. خادم. غلام. نوکر. خدمتکار.» (8)

این نقش کاملاً جنبه خدماتی داشت و هیچ ارتباطی با خدمات پزشکی یا درمانی امروزی نداشت. «وقتی در بلده شیراز هندوئی بیمار شد و پرستاری نبود که تیمارش دارد، ناچار روزی دست در دامن مسلمانی زد که ای مرد خداپرست گرفتم که بی‌دین و کافرم نه آخر عرب و مسافرم مگر در دیار اسلام رحم و مروت نیست یا شریعت مسلمانی را فتوت نه؟» (7)

این شغل در گذر زمان دچار تحول شده و امروزه بیشتر به نیروهای خدماتی در خانه‌ها و اماکن مختلف اطلاق می‌شود و نقش آن‌ها به خدمت‌رسانی و حمایت‌های روزمره محدود شده است.

جلاد

جلاد پیشه‌ای بوده که مسئول اجرای احکام کیفری و مجازات‌ها در زمان‌های گذشته بود.

«امیری اسیری بیچاره را به جلادی خون‌خواره داد که وی را در بیغوله‌ای به قتل رساند. جلاد به موجب فرمان وی را به ویرانه‌ای برد که از دیده مختثان بی‌آب‌تر بود و از خاطر بی‌کسان خراب‌تر.» (7)

این شغل به دلیل تغییر قوانین قضایی و مدرن شدن نظام‌های حقوقی، به‌مرور منسوخ شده و امروزه وجود ندارد یا در قالب‌های بسیار محدود و رسمی‌تر به شکل متفاوتی ادامه یافته است.

۳-۱-۶- حمّال

حمّال به کسی گفته می‌شد که بارها و کالاهای سنگین را از مکانی به مکان دیگر حمل می‌کرد. «حمّال کسی بود که با کول یا پشت برای عموم مردم حملِ بار می‌نمود، در ابزاری متشکّل از چند ذرع طناب و پشتی‌ای تسمه‌دار که به صورت بالشی پرشده از کاه و رویه‌ای از گلیم یا قالی‌پاره، در بالایی نازک و پایینی کلفت، که بار را بالا گرفته حمل آن را آسان بکند.» (9)

این پیشه از نیازهای حیاتی بازارها و کاروان‌سراها بود. «علوی‌زاده با روانی پرخطر و میانی بی‌کمر و سری بی‌کلاه و لبی عذرخواه به شبستان من گریخت و در دامنم آویخت. نفسش گفتی نفس

حمّالان است در زیر بار و پنجه‌اش پنجه رمّالان است در وقت کار...» (7)

با توسعه حمل‌ونقل مکانیزه و استفاده از وسایل نقلیه مدرن، این حرفه تا حد زیادی منسوخ شده و جای خود را به مشاغل نوین‌تر داده است.

دایه

دایه کسی بود که در گذشته وظیفه مراقبت و نگهداری از کودکان، به‌ویژه نوزادان، را بر عهده داشت و نقش مهمی در تربیت و پرورش آن‌ها ایفا می‌کرد. «یکی از رسومی که تا چند دهه پیش‌تر در ایران رواج داشت انتخاب دایه برای فرزندان بود که بیشتر در خانواده‌های مرفه یا به سبب درگذشت مادر، ضعف جسمی مادر و کثرت فرزندان به استخدام دایه ناگزیر بودند.» (10)

این پیشه بیشتر جنبه خدماتی و خانوادگی داشت و اغلب در منازل خانواده‌های مختلف فعال بود. «پیری جوانی را گفت که از عمر عزیزت چه رفته، گفت می‌گویند بیست ولیکن نیست، از نوزده و هجده نیز سخن می‌رود و غالباً هفده مسلم باشد، اما دایهٔ جوان شانزده‌ساله‌ام می‌خواند و مادر پانزده‌ساله‌ام می‌داند...» (7)

صاحب کتاب «قابوس‌نامه» در باب حق فرزند به پسرش چنین سفارش می‌کند: «از جمله حق‌های پدران بر فرزندان یکی آن است که او را نام خوش نهند. دوّم آنکه: به دایگان عاقل و مهربان سپارند.» (11)

امروزه نقش دایه به نیروهای مراقبت و پرستاری کودک و پرستاران کودک تغییر یافته و بیشتر به شکل تخصصی‌تر و سازمان‌یافته‌تری ادامه دارد.

رامشگر (مُترنم)

رامشگر یا مترنم به افرادی اطلاق می‌شد که در مجالس اشرافی یا عمومی با آوازخوانی، نواختن ساز و اجرای موسیقی، موجب شادی و سرگرمی حاضران می‌شدند.

«امیری را حکایت کنند که شبی معارف را دعوت کرد و انواع مغارف و آلات مناهی و ملاهی گرد آورد، رامشگران نکیساچنگ و خنیاگران باربدآهنگ، هر یکی را چنگ در چنگ و دف بر کف و نای بر لب و سرنا در دهان...» (7)

این افراد معمولاً فن موسیقی و آواز را به‌خوبی می‌دانستند و جایگاه خاصی در جشن‌ها و محافل تفریحی داشتند.

«هر هیزمی عود نیست و هر مترنمی داود نه.» (7)

با گذر زمان و تغییر ذائقه‌ها و ابزارهای سرگرمی، جایگاه رامشگران سنتی از بین رفت و امروزه کارکرد آنان به خوانندگان، نوازندگان و هنرمندان عرصه موسیقی انتقال یافته است که اغلب در قالب رسمی‌تر و رسانه‌ای فعالیت می‌کنند.

رمّال

رمّال کسی بود که با استفاده از رمل و ابزارهای نجومی مانند اسطرلاب به پیش‌بینی آینده و گشایش مشکلات می‌پرداخت. این پیشه با باورهای سنتی و خرافی در ارتباط بود و نقش مهمی در زندگی مردم زمان خود داشت.

«علوی‌زاده با روانی پرخطر و میانی بی‌کمر و سری بی‌کلاه و لبی عذرخواه به شبستان من گریخت و در دامنم آویخت. نفسش گفتی نفس حمّالان است در زیر بار و پنجه‌اش پنجه رمّالان است در وقت کار...» (7)

امروزه این حرفه به دلیل پیشرفت علم و فناوری و تغییر نگرش‌های اجتماعی تقریباً منسوخ شده و جای خود را به روش‌های علمی داده است، اما در برخی فرهنگ‌ها هنوز به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی و باورهای سنتی شناخته می‌شود.

ساقی

ساقی به کسی گفته می‌شود که در گذشته وظیفه خدمتگزاری و سرو نوشیدنی، به‌ویژه شراب، را در مجالس و میهمانی‌ها بر عهده داشت. «منظور از خدمتگزاران بزم کسانی هستند که به نوعی در ارائهٔ خدمات مربوط به بزم‌ها فعالیّت داشته‌اند. این افراد هم شامل

کسانی می‌شود که به رتق‌وفتق امور مجلس می‌پرداخته و در تهیّهٔ لوازم مورد نیاز و نیز پذیرایی از شرکت‌کنندگان نقش داشته‌اند و هم افرادی که از هنر آن‌ها در بزم‌ها استفاده می‌شده و باعث سرگرمی و رونق مجالس بزم بوده‌اند. این خدمتگزاران عبارت‌اند از: ساقیان، نوازندگان، خوالیگران، رقصندگان و غلامان و پرستاران.» (12)

این پیشه ریشه در آداب و فرهنگ اجتماعی داشته و نقش مهمی در مراسم و مناسبت‌های مختلف ایفا می‌کرد.

گر خضر دهد آب بقایت به زمستان
مستان بستان جام می از ساقی مستان
بستان به شبستان قدح از دست نگاری
کز عارض گل‌رنگ بود رونق بستان

(7)

امروزه با تغییر سبک زندگی و قوانین مرتبط با مصرف نوشیدنی‌های الکلی، نقش ساقی بسیار محدود شده و این پیشه به شکل سنتی خود تقریباً منسوخ شده است.

شحنه

شحنه، مأموری حکومتی بود که وظیفه حفظ امنیت، اجرای احکام و نظم اجتماعی را در شهرها و مناطق بر عهده داشت. او معمولاً تحت نظر حاکم یا والی فعالیت می‌کرد و نظارت بر رفتار مردم، جلوگیری از جرایم و رسیدگی به امور انتظامی را مدیریت می‌نمود. «شحنهٔ مملکت مردی مرکب‌القوی باید که هر دو طرف نگاه دارد، یعنی هم محافظت ناموس خلایق کند و هم جانب اغنیا و اعیان دولت که به لهو و لعب مفطورند نگاه دارد.» (7)

این منصب با گذشت زمان و شکل‌گیری نهادهای مدرن انتظامی، دچار تحول شد و وظایف آن به نهادهایی مانند شهربانی، ژاندارمری و پلیس منتقل گردید. امروزه معادل شحنه در ساختار دولتی، نیروهای انتظامی و مأموران امنیتی هستند.

صبّاغ

صبّاغ، به کسی گفته می‌شد که پارچه‌ها، نخ‌ها یا گاهی پوست‌ها را با استفاده از رنگ‌های طبیعی یا شیمیایی، رنگ‌آمیزی می‌کرد. این پیشه کهن در صنعت نساجی و پوشاک اهمیت فراوانی داشت و صبّاغان معمولاً در بازارهای مخصوص به این کار اشتغال داشتند. «یکی جامه به صباغ داد که نیلی کند. روز دیگر به طلب پیش رفت، مرد عذر آورد که جامهٔ نیلی درخور ماتم‌زدگان است و من این رنگ را به فال بد داشتم. اگر فرمایی رنگ نیکوتر کنم، گفت آری پس نیکو گفتی، هر رنگ خواهی کن...» (7)

با گسترش صنعت و ورود کارخانه‌های نساجی و رنگرزی ماشینی، حرفهٔ صبّاغی سنتی رو به افول رفت و امروزه بیشتر در کارگاه‌های صنایع دستی و تولیدات سنتی یافت می‌شود. پیشه صباغی در شکل سنتی‌اش تقریباً منسوخ شده و جای خود را به فناوری‌های مدرن رنگرزی داده است.

صیّاد

صیاد به کسی گفته می‌شد که به شکار و صید ماهی یا حیوانات آبزی می‌پرداخت. «قبل از آنکه انسان با کشاورزی و اهلی کردن حیوانات آشنا شود، شکار و صید حیوانات برای انسان بَدَوی و بیابان‌گرد، امری ضروری و حیاتی بود.» (13)

این پیشه از دیرباز نقش مهمی در تأمین منابع غذایی جوامع داشته است. با گذر زمان و پیشرفت فناوری‌های صید، شیوه‌های سنتی صیادی تغییر کرده و در بسیاری از مناطق صنعتی شده است.

صیاد مرا هست دو صد دانه بهر گام
گامی ندهد دست که بیرون نهم از دام
گفتم روم آنجا که کسم نام نداند
هر جا که شدم کرد مرا عشق تو بدنام

(7)

امروزه صیادان بیشتر با ابزارهای مدرن و قایق‌های موتوری فعالیت می‌کنند و در برخی مناطق، این حرفه به دلیل کاهش منابع طبیعی

و قوانین محیط‌زیستی دچار محدودیت شده است. بنابراین، پیشه صیادی همچنان پابرجاست ولی شکل و روش انجام آن متحول شده است.

عَسَس

عسس در گذشته به کسانی گفته می‌شد که وظیفه مراقبت و نگهبانی از اموال، مکان‌ها و اشخاص را بر عهده داشتند. این افراد نقش مهمی در حفظ امنیت و نظم اجتماعی داشتند و معمولاً به‌صورت محلی فعالیت می‌کردند.

«آورده‌اند که روزگاری قلیل برآمد و روزگار بخیل سرآمد، قضا را جز فرزندی زانی و زنی زانیه وارث نداشت. هنوز هفته‌ای از هلاک بخیل نرفته که زن را عسس برد و پسر را رندان، و غالباً سالی نگذشت که عسس را محبت مال زن بر جمال زن بچربید و حرص و نهمت جنبیدن گرفت، لاجرم به حکم آن نهمت تهمتی بر زن نهاد، او را با گیسوی بریده در بازار و برزن گردانید.» (7)

با گذشت زمان و تحول ساختارهای امنیتی و انتظامی، نقش عسس‌ها به شکل نیروهای رسمی‌تر و سازمان‌یافته‌تری مانند پلیس امروزی درآمد و مسئولیت‌های امنیتی آن‌ها به شکلی تخصصی‌تر و نظام‌مندتر تقسیم شد. بنابراین، پیشه عسس دچار تغییر و تحولات اساسی شده و به‌صورت مدرن و سازمان‌یافته درآمده است.

عطّار

عطار پیشه‌ای بود که به تهیه و فروش مواد دارویی گیاهی، عطرها و اسانس‌ها می‌پرداخت. «از مشاغل دیگر، عطّاری است که به سبب استفادهٔ زیاد مردم از عطرها و بوهای خوش، این شغل رواج زیادی داشته است.» (14)

این افراد علاوه بر فروش، گاه خود نیز به طبابت و ترکیب و ساخت داروهای گیاهی و عطرهای سنتی مشغول بودند و نقش مهمی در سلامت و زندگی روزمره مردم داشتند. «شکم‌خواره‌ای را بادی در شکم پیچید، به دکان عطار رفت، مشتی رازیانه برداشت و بخورد. عطار بها خواست، بهانه آورد. عطار همسایگان را خبر کرد و طپانچه بسیار بر سر و رویش زدند. بیچاره خود را به مسجدی رسانید و از ضعف بر زمین افتاد. هر لحظه از بیم هلاکت می‌نالید و شکم بر خاک می‌مالید. قضا را طبیبی بر او گذشت، پرسید از چه نالی؟ گفت از درد شکم. گفت دوش چه خورده‌ای؟ گفت گرسنگی. گفت امروز همانا نامناسبی اتفاق افتاده، گفت آری یک مشت رازیانه خوردم و هزار مشت و تازیانه...» (7)

با گذشت زمان و ورود داروهای صنعتی و تغییر سبک زندگی، نقش عطارها به‌طور قابل‌توجهی تغییر کرد و این پیشه کم‌کم به سمت فروش عطر و ادویه‌های سنتی محدود شد و بیشتر جنبه تجاری پیدا کرد، اما هنوز در برخی مناطق سنتی این حرفه حفظ شده است.

غلام

غلام در گذشته به افرادی گفته می‌شد که به‌صورت خدمتکار یا همراه وفادار در دربارها و خانه‌های اشرافی فعالیت می‌کردند. «یکی از رشته‌های مهم تجارت در ایران، خرید و فروش بردگان (از زن و مرد) بود. بردگان را از کشورهای اروپای شرقی و دشت‌های تُرک‌نشین و هندوستان، به‌خصوص از کرانهٔ غربی آفریقا، وارد می‌کردند.» (13)

آن‌ها معمولاً نقش‌های مختلفی، از جمله خدمت‌رسانی، همراهی و انجام وظایف مختلف روزمره، را بر عهده داشتند. «عمر و لیث صفار را غلامی بوده، در حالت مستی امیر را دشنام داد. امیر به زندانش فرستاد. چون به هوش آمد به عقوبتش فرمان داد. غلام گفت ای امیر، من بد کردم در حالتی که بیهوش بودم، تو در حالتی که هوش داری بد مکن. بدین سخن از عقوبتش درگذشت و به انعامی وافر و خلعتی فاخر خرسند کرد.» (7)

با گذشت زمان و تغییر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، مفهوم و جایگاه غلام‌ها دگرگون شد و این حرفه به‌طور کلی منسوخ گردید و در جامعه مدرن جای خود را به مشاغل خدماتی امروزی داد.

فرّاش

فراش به افرادی گفته می‌شد که مسئول نظم و ترتیب در اماکن مختلف مانند خانه‌ها، بازارها یا اماکن عمومی بودند و اغلب وظیفه پهن کردن فرش‌ها و آماده‌سازی محیط را داشتند.

«به دارالخلافه در روز نوروز جشنی فیروز ساخته بودند، تماشا را پیش رفتم، فراشی بر طرف رویم طپانچه محکم زد. طرف دیگر پیش بردم، بخندید که عجیب بیکاری و غریب بی‌عاری...» (7)

این پیشه به‌مرور زمان دچار تغییر شد و با تحول در سبک زندگی و مکان‌های کار، نقش فراش‌ها کاهش یافت و به شکل مشاغل خدماتی نوین‌تر و متنوع‌تر درآمد. امروزه مفهوم فراش کمتر دیده می‌شود و جای خود را به نیروهای خدماتی مدرن داده است.

فصّاد

فصد به معنای رگ‌زنی است که در طب سنتی برای درمان برخی بیماری‌ها به کار می‌رفته است. «فصد، درمانی قوی است برای بدن‌های دَمَوی و پرخواران و پرآشامان. رگ‌های مورد استفاده برای رگ زدن رگ‌های آرنج است. اما اگر علّت در قسمت فوقانی بدن مثلاً سر باشد، رگ زدن از ورید قیفال (آن رگ که جهنده نباشد) زودتر فایده می‌دهد. و اگر علّت در پایین بدن باشد، فصد با سلیق زودتر نتیجه‌بخش خواهد بود.» (15)

این پیشه که بیشتر نزد طبیبان سنتی و دامداران رایج بوده، از روش‌های درمانی زمان خود محسوب می‌شد.

پند پیران در جوانی گوش دار
پیش از آن کت رنج‌ها آید به پیش
سعی کن تا مرهمی آید به دست
پیش از آن کت دل تبه گردد ز ریش
دیده‌ای فصاد که اول از بغل
پنبه را بیرون کند آنگاه نیش؟
(7)

با گذشت زمان و گسترش علوم پزشکی نوین، فصد تا حد زیادی منسوخ شده و امروزه تنها در برخی مناطق به شکل محدود و سنتی انجام می‌شود و بیشتر جنبه فرهنگی و تاریخی دارد.

کدخدا

کدخدا عنوان ریشهٔ سنتی برای سرپرست روستایی بود که مسئولیت اداره امور اجتماعی، حل اختلافات و نمایندگی مردم در برابر مقامات بالاتر را بر عهده داشت. این پیشه در گذشته نقش بسیار مهمی در نظم و انسجام جوامع روستایی داشت.

«پادشاه در هر طایفه و شهری ریش‌سفیدان و کدخدایان بشناسد و رعایت فرماید تا چون رئیس طایفه و حاکم شهری عصیان ورزد اسباب اضمحلالش مهیا باشد...» (7)

با گذشت زمان و تغییر ساختارهای حکومتی و توسعه نهادهای مدرن، جایگاه کدخدا به‌مرور کمرنگ شده و این نقش‌ها به دستگاه‌های اداری و شوراهای محلی واگذار شده است، به‌طوری‌که امروزه عنوان کدخدا دیگر کاربرد رسمی ندارد و بیشتر در خاطره و ادبیات عامیانه باقی مانده است.

امروزه به‌دلیل تغییرات ساختاری اجتماعی و اقتصادی، جایگاه و نحوه حضور آن در جامعه دستخوش تحولاتی شده است و بیشتر به یک پدیده اجتماعی و کمتر به یک پیشه حرفه‌ای تبدیل شده است.

گنجور

گنجور به فردی گفته می‌شد که وظیفه حفظ و نگهداری خزانه و اموال باارزش پادشاه یا حاکم را بر عهده داشت. این پیشه در دوران گذشته اهمیت زیادی داشت و فرد گنجور از اعتماد ویژه‌ای برخوردار بود.

«یکی از ملک‌زادگان گنجوری داشت که کیسه را از جعبه ندانستی و کنیسه را از کعبه، مناره را قالب چاه خواندی و قناره را میخ خرگاه، منبر را تابوت گفتی و عنبر را یاقوت...» (7)

با تغییر نظام‌های حکومتی و ساختارهای اداری، این نقش کم‌کم از بین رفت و به شکل امروزی در ساختارهای دولتی و مالی تجلی یافته است.

محتسب

محتسب در گذشته به فردی گفته می‌شد که مسئول نظارت بر رعایت نظم، اخلاق عمومی و بازارها بود. وظیفه او کنترل قیمت‌ها، جلوگیری از گران‌فروشی و مقابله با تخلفات اقتصادی و اجتماعی بود.

«در آن هفته شنیدم که یکی از ظریفان پیمانه معهود را به خانهٔ محتسب برد که ای بی‌انصاف، پیمانه شرابی که خداوند پاکش در زیر خاک نگه دارد، شکستنش درست نباشد.» (7)

امروزه این نقش به شکل نهادهای دولتی و سازمان‌های نظارتی تخصصی‌تر درآمده است، اما اصل نظارت بر نظم و قوانین در جامعه همچنان پابرجاست، هرچند با ساختار و عملکرد مدرن‌تر و گسترده‌تر.

مطرب

مطرب در گذشته به نوازنده و خواننده‌ای گفته می‌شد که در مجالس مختلف برای شادی و سرگرمی مردم به اجرای موسیقی می‌پرداخت. «مطرب اصطلاحی کلّی برای نوازنده، خواننده و رقّاص است. مطرب شخصی بوده است که در جمع، برای سرگرمی تماشاگران، خوانندگی، رقّاصی و لودگی می‌کرد. واژه مطرب در فرهنگ ایرانی علاوه بر وظیفه بزم‌گردانی و اجرای موسیقی، تداعی‌کننده نوعی استهزاء و تحقیر است. این تحقیر، پیامد کشاکش‌های عقیدتی فرقه‌های مذهبی است که در قرن هفتم دامنه‌ای وسیع یافت.» (16)

این پیشه جایگاه مهمی در فرهنگ و هنر سنتی داشت و اغلب در دربارها و محافل اجتماعی حضور فعال داشتند. «قضا را شب دیگر نیز امیر ساز طرب نمود و سازندگان دوشین را طلب کرد و بر حسب اتفاق امیر را آن شب مزاج اصلی برگشت و سرود مطربانش ناپسند افتاد...» (7)

امروزه، گرچه شکل اجرای موسیقی تغییر کرده و گسترده‌تر شده است، اما نقش مطرب‌ها در هنر موسیقی و سرگرمی همچنان باقی مانده و به‌صورت حرفه‌ای‌تر و متنوع‌تر در عرصه‌های مختلف هنری فعالیت می‌کنند.

میراب

میراب کسی بود که مسئول تنظیم و مدیریت آب‌رسانی و قنوات در شهرها و روستاها بود. این پیشه اهمیت زیادی داشت چون آب‌رسانی منظم برای کشاورزی و زندگی روزمره حیاتی بود.

ای دل از جویی که جز احمد کسش میراب نیست
چون شبی سیراب؟ چون میراب خود سیراب نیست

(7)

امروزه نقش میراب به‌صورت سنتی تقریباً از بین رفته است و وظایف او با تکنولوژی‌های نوین مدیریت آب و سیستم‌های پیشرفته آب‌رسانی جایگزین شده است، ولی در مناطق روستایی ممکن است هنوز برخی امور سنتی به شکل محدود انجام شود.

نتیجه‌گیری

کتاب پریشان قاآنی، اگرچه در ظاهر اثری ادبی و تقلیدی از گلستان سعدی به نظر می‌رسد، اما در باطن، آینه‌ای روشن از فرهنگ اجتماعی، ساختار طبقاتی و پیشه‌های رایج در ایران عصر قاجار است. قاآنی با بهره‌گیری از نثر فنی و حکایات کوتاه و متنوع، به‌گونه‌ای غیرمستقیم و هنرمندانه، گوشه‌هایی از زندگی مردم عادی، روابط قدرت، ساختار اقتصادی و مشاغل موجود در جامعه زمان خود را بازتاب داده است. این مشاغل که گستره‌ای از مناصب درباری، اصناف شهری و پیشه‌های مردمی را دربر می‌گیرند، گنجینه‌ای ارزشمند از فرهنگ مادی و معنوی ایران آن دوره را در خود نهفته دارند.

بررسی تحولات تاریخی این پیشه‌ها نشان داد که بسیاری از آن‌ها در گذر زمان تغییر شکل داده، تحول یافته یا به‌کلی منسوخ شده‌اند. برخی از این پیشه‌ها مانند حمّال، رمّال و صیّاد همچنان در ساختار اجتماعی امروز حضور دارند، گرچه با فناوری و کارکردی متفاوت، اما بسیاری مانند محتسب، جلاد و یا گنجور، جایگاه خود را از دست داده و صرفاً در متون تاریخی و ادبی قابل پی‌جویی هستند. این تغییرات، نشان‌دهنده پویایی فرهنگ ایرانی در مواجهه با تحولات سیاسی، اقتصادی و فناورانه است.

از این رو، پریشان قاآنی تنها یک متن ادبی نیست، بلکه منبعی غنی برای مطالعات تاریخی، اجتماعی و مردم‌شناسی به شمار می‌رود. مطالعه دقیق این اثر می‌تواند به پژوهشگران یاری رساند تا سیمای روشن‌تری از فرهنگ عامه ایرانی و تحولات ساختار اجتماعی آن در سده سیزدهم هجری ترسیم نمایند. این اثر، در کنار دیگر متون ادبی مشابه، پلی است میان ادب و تاریخ اجتماعی که شایسته توجه بیشتر در مطالعات میان‌رشته‌ای است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Persian literature has long functioned not only as a repository of aesthetic expression but also as an important record of the historical, social, and cultural memory of Iranian society. Literary works composed in different periods frequently contain valuable information about everyday life, social relations, occupational structures, popular beliefs, economic activities, and the organization of social classes. For this reason, literary texts may be approached as supplementary sources for reconstructing dimensions of social history that are not always fully represented in official chronicles or administrative records. This function becomes particularly significant in works that engage directly with common people, urban spaces, professions, customs, and the everyday interactions of different social groups. Within the history of Persian literature, the Qajar period occupies an important position because it witnessed both the persistence of traditional social structures and the gradual emergence of institutional, technological, and cultural transformations. Qa'ani Shirazi was one of the prominent poets and prose writers of this period, and his literary career developed within the intellectual and courtly environment of the Qajar era. His works reflect a combination of classical literary traditions and the specific cultural conditions of nineteenth-century Iranian society. His poetic and prose output also contains numerous references to music, occupations, social ranks, and material culture, making his writings useful for interdisciplinary research extending beyond conventional literary criticism (1-3). Among Qa'ani's prose works, *Parishan* is particularly important because its anecdotal structure, didactic orientation, and attention to everyday social situations provide a broad range of references to occupations and social roles. Although the work was shaped by the stylistic influence of Saadi's *Golestan*, it should not be reduced to mere literary imitation, because its content also

preserves elements of the social reality, moral attitudes, and occupational environment of Qa'ani's own period (4, 5). Accordingly, the present study examines selected occupations represented in *Parishan* and analyzes their historical development, continuity, transformation, or disappearance within Iranian culture.

The main problem addressed in this study concerns the historical status and subsequent transformation of occupations mentioned in *Parishan*. Occupations are not merely economic activities; they are embedded in systems of social hierarchy, cultural expectations, technological conditions, political institutions, and modes of everyday interaction. The study of professions therefore offers a productive perspective for understanding the wider organization of society. Sociologically, work and occupational activity are closely connected with cultural values, social identity, and institutional structures, and Iranian literary and cultural traditions contain extensive evidence concerning attitudes toward labor, idleness, professional competence, and occupational ethics (6). In *Parishan*, occupational references appear within anecdotes, moral observations, humorous narratives, and descriptions of courtly or popular life. Such references include administrative positions such as ilchi, shihna, muhtasib, and ganjur; service-related occupations such as porter, wet nurse, servant, chamber attendant, and farrash; traditional medical or quasi-medical occupations such as herbalist and phlebotomist; artistic roles such as minstrel, musician, and entertainer; and other socially significant occupations such as miller, water distributor, hunter, village headman, guard, and executioner. Many of these professions were shaped by the political and economic structures of premodern and early modern Iran, whereas others were connected to household organization, traditional medicine, court culture, local administration, or urban markets. Their historical trajectories differ considerably: some occupations survived through adaptation, some were absorbed into modern bureaucratic or professional institutions, and some disappeared almost completely. Therefore, the central research question is how Qa'ani represented these professions in the social world of his time and what historical transformations subsequently affected their functions, institutional status, and cultural meanings. By examining these changes, the study seeks to contribute to a more precise understanding of the relationship between literature, occupational history, popular culture, and social transformation in Iran.

Methodologically, this research adopts a qualitative, descriptive-analytical, and library-based approach. The primary source is Qa'ani's *Parishan*, from which references to occupations and professional roles were identified and extracted systematically. These references were then interpreted through historical, literary, sociological,

lexicographical, ethnographic, and cultural sources in order to clarify the meaning, function, and historical context of each occupation. Qa'ani's own text constitutes the central documentary basis for identifying occupational terminology and understanding how professions were represented within anecdotal and moral narratives (7). Complementary sources were used to interpret specialized occupations and their broader cultural significance. For example, Dehkhoda's lexicographical explanations help clarify semantic shifts in occupational terms such as *parastar*, whose older meaning was closer to servant, attendant, or domestic caregiver than to the modern medical profession of nursing (8). Historical studies of Tehran and Iranian urban society provide descriptions of occupations such as porters and their traditional equipment and working practices (9). Studies of social history illuminate practices such as slavery, hunting, occupational stratification, and traditional forms of service and labor (13). Cultural research also contributes to the interpretation of occupations associated with family and domestic life, such as the wet nurse, which was especially important among affluent households or in cases where mothers were unable to breastfeed or care for infants directly (10). Classical didactic literature similarly confirms the recognized importance of selecting an intelligent and compassionate wet nurse for children (11). This combination of literary analysis and historical comparison enables the research to move beyond simple identification of professions and to examine the transformation of their social functions across time.

The findings indicate that the occupational world represented in *Parishan* reflects a complex social structure in which court administration, urban services, household labor, artistic activity, religiously inflected social regulation, and traditional medicine were closely interconnected. Certain occupations were directly related to political authority and governance. The ilchi functioned as an official envoy responsible for carrying messages, commands, or diplomatic communications, while the shihna and muhtasib performed functions associated with security, public order, market regulation, and moral supervision. Such occupations gradually lost their traditional forms as centralized bureaucratic institutions, modern police systems, diplomatic missions, and specialized regulatory organizations developed. Other occupations were connected to royal or aristocratic households, including the curtain keeper, farrash, servant, and treasurer. Their functions were gradually redistributed among modern administrative, ceremonial, financial, and service institutions. Traditional labor occupations also appear prominently. The porter, for instance, was an essential figure in bazaars and caravan networks and depended largely on physical strength and simple carrying equipment (9). Although manual carrying has not disappeared entirely,

mechanized transport and modern logistics have substantially reduced the social centrality of this occupation. The traditional miller similarly lost much of his former importance with the mechanization of grain processing. Other occupations, however, survived by adapting to new technologies. Fishing remains an active occupation, but its techniques, equipment, institutional regulation, and relationship with environmental law have changed considerably. The historical continuity of occupational activity therefore does not necessarily imply continuity of social form. Rather, modernization frequently transforms the tools, status, regulation, and economic organization of occupations while preserving their basic functional purpose.

A second major group of findings concerns occupations related to domestic service, medicine, entertainment, and popular belief. The traditional wet nurse played a significant role in elite and affluent households, especially when maternal death, illness, physical weakness, or family circumstances required alternative infant care (10). This occupation did not disappear entirely but evolved into more specialized forms of childcare, domestic nursing, and professional caregiving. The historical term *parastar* underwent an even more substantial semantic transformation, since in older usage it could refer broadly to a servant, attendant, or domestic helper rather than specifically to a professionally trained medical nurse (8). Traditional healers and medical specialists also underwent major transformation. The herbalist once combined the sale of medicinal plants, fragrances, spices, and sometimes traditional therapeutic advice, while the phlebotomist practiced bloodletting as an accepted medical procedure within humoral medicine (14, 15). Modern medicine, pharmacology, and professional healthcare systems reduced or redefined these roles, although herbal shops and some traditional therapeutic practices continue in modified forms. Artistic occupations such as the minstrel, musician, singer, and entertainer also demonstrate cultural continuity accompanied by professional transformation. Courtly and festive performers played important roles in social gatherings, and the category of *motreb* historically combined musical performance, singing, dancing, entertainment, and sometimes socially stigmatized forms of amusement (16). Banquet service itself depended on a range of specialized participants, including cupbearers, musicians, cooks, dancers, servants, and attendants (12). These roles did not simply vanish; many were incorporated into modern artistic professions, entertainment industries, hospitality services, and media institutions. By contrast, occupations such as fortune-telling and traditional forms of divination declined in social legitimacy with the expansion of scientific education and modern institutions, although they continue in limited cultural or informal contexts. The analysis therefore demonstrates that occupational change is rarely linear: some professions disappear,

some survive symbolically, and others retain their basic purpose while undergoing profound institutional and semantic transformation.

In conclusion, the analysis of occupations in Qa'ani Shirazi's *Parishan* demonstrates the considerable value of literary texts for reconstructing the social and cultural history of Iran. The work offers more than stylistic imitation, moral anecdotes, or literary entertainment; it preserves a detailed occupational landscape reflecting the administrative structures, household practices, economic activities, medical traditions, artistic environments, social hierarchies, and everyday interactions of the Qajar period. The professions identified in the text reveal both the stability and the vulnerability of traditional occupational structures. Some survived because their fundamental social functions remained necessary, even though their tools, institutional frameworks, and professional identities changed. Others disappeared because the political systems, technologies, beliefs, or social arrangements that sustained them were replaced. Still others underwent semantic transformation, so that the same occupational term came to designate a substantially different professional role in modern society. These findings confirm that the history of occupations constitutes an important dimension of cultural history and that literary sources can provide evidence unavailable in strictly administrative or political records. *Parishan* is therefore significant not only for literary scholarship but also for social history, anthropology, folklore studies, and the sociology of work. Its occupational references illuminate the ways in which modernization reshaped Iranian social life, transformed professional identities, redistributed institutional functions, and altered the relationship between traditional knowledge and emerging forms of expertise. Studying such professions also contributes to the preservation of intangible cultural heritage, because many occupational names, tools, customs, and social roles survive today primarily through historical memory and literary representation. The article ultimately argues for a broader interdisciplinary use of Persian literary works in reconstructing everyday history and demonstrates that the systematic study of occupations can provide a particularly productive framework for tracing long-term patterns of continuity and change in Iranian culture.

References

1. Safa Z. History of literature in Iran. 15 ed. Tehran: Ferdows; 2003.
2. Aryanpour Y. From Saba to Nima: A history of 150 years of Persian literature. 1 ed. Tehran: Zavvar; 1971.
3. Mallah HA. Dictionary of musical instruments. 1 ed. Tehran: Mahmoudi; 1964.
4. Forouzanfar Ba-Z. Poetry and poets. 1 ed. Tehran: Kharazmi; 2010.
5. Zarrinkoub A. The delightful discourse of Saadi. 4 ed. Tehran: Sokhan; 2007.
6. Tavassoli GA. Sociology of work and occupations. 3 ed. Tehran: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT); 2000.
7. Qaani H. Parishan [Miscellany]. 1 ed. Fars Literary S, editor. Shiraz: Fars Literary Society; 1959.

8. Dehkhoda AA. Dictionary. 1 ed. Sotoudeh G, editor. Tehran: University of Tehran Press; 2006.
9. Shahri J. Social history of Tehran in the thirteenth century. 1 ed. Tehran: Esmaeilian; 1988.
10. Jafari Mazhab M. Selecting a wet nurse. Folk Culture. 2004;3(8):87-8.
11. Onsor al-Maali KiE. Qabus-nameh [The Book of Qabus]. 5 ed. Tehran: Elmi va Farhangi Publishing Company; 1989.
12. Akhyani J. Banquet arrangements in narrative poems. 1 ed. Tehran: Sokhan; 2009.
13. Ravandi M. Social history of Iran. 3 ed. Tehran: Ruzbehan; 1993.
14. Maboudi Z. Sociology in the works of Saadi. 2 ed. Tehran: Tirgan; 2007.
15. Chaghmini MiM. Qanuncheh [The little canon]. Shiraz: Pahlavi University Press; 1971.
16. Nasri Ashrafi J. Drama and music in Iran. 1 ed. Tehran: Arvan; 2004.